

۹۹۵۰/۲۸۶/۵۰۵۷۰۱۵

شماره :

۱۳۹۷/۱۲/۱۴

تاریخ :

دارد

پیوست :



## نماینده وزارت امور خارجه در شمال و شرق کشور - مشهد

بسمه تعالی

ریاست محترم دانشگاه فردوسی مشهد مقدس

ریاست محترم دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

ریاست محترم دانشگاه پیام نور خراسان رضوی

ریاست محترم دانشگاه علوم اسلامی رضوی

ریاست محترم دانشگاه امام رضا (ع)


دانشکده حقوق و زبان های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

موضوع: ارسال ماهنامه مطالعاتی

با سلام ؛

احترماً به پیوست پنجمین شماره ماهنامه مطالعاتی سفارت جمهوری اسلامی ایران در آنکارا که شامل خلاصه ای از مهمترین مقالات منتشر شده توسط اندیشکده های مطرح ترکیه می باشد ، جهت ملاحظه و بهره برداری ، ارسال می گردد.

غلامعباس ارباب خالص  
مشاور وزیر و رئیس نمایندگی



رونوشت :

- مدیر کل محترم اطلاعات خراسان رضوی
- مدیر کل محترم هماهنگی اموراتصادی استانداری خراسان رضوی
- ریاست محترم اتاق بازرگانی ، صنایع ، معادن و کشاورزی خراسان رضوی
- جناب آقای موسوی معاون محترم اطلاع رسانی و امور سخنگویی مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه ای
- جناب آقای باقری مقدم دستیار وزیر و مدیر کل محترم اوراسیا
- جناب آقای علیمحمدقلیچ خان رئیس محترم اداره امور ترکیه
- سفارت جمهوری اسلامی ایران در آنکارا



بِسْمِ تَعَالَى

سفارت جمهوری اسلامی ایران - آنکارا

ماهنامه مطالعاتی

دی ۱۳۹۷

## فهرست مطالب

## صفحه

خلاصه اهم گزارش‌های اندیشکده‌های ترکیه

۲	در سال ۲۰۱۹ چه اتفاقاتی در انتظار ایران است؟
۵	موضع روسیه در قبال شرق فرات
۷	بازسازی سوریه؛ از خیال تا واقعیت
۱۰	فقدان انسجام در سیاست خارجی آمریکا در قبال سوریه
۱۱	تصمیم ترامپ برای خروج از سوریه و پیامدهای احتمالی آن
۱۵	جستجوهای ترامپ و آمریکا برای هرج و مرجی جدید در سیاست بین الملل
۱۶	مهمان نوازی در دیپلماسی عمومی ترکیه
۱۸	آیا فرانسه متحد قابل اعتمادی است؟
۱۸	بحران هوای در جنگ تجاری آمریکا-چین

احمد رضا شمس

## خلاصه اهم گزارش‌های اندیشکده‌های ترکیه:

کجایم! در سال ۲۰۱۹ چه اتفاقاتی در انتظار ایران است؟ نویسنده: دکتر حقی ایغور

خروج ترامپ از برجام در اردیبهشت ۱۳۹۷ و کمتر از دو هفته بعد از آن، اعلام شروط دوازده‌گانه از سوی مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا برای بازگشت ایران به شرایط عادی و تهدید به اجرایی شدن تحریم‌ها در صورت به جای نیاموردن شروط، باعث شد بسیاری از ناظران معتقد باشند که سال ۲۰۱۹ آبستن تحولات مهمی مرتبط با ایران خواهد بود. تحریم‌های دو مرحله‌ای مرداد و آبان، ضربه‌ای کارساز بر فروش نفت به عنوان ستون فقرات اقتصاد ایران، وارد آورد و صادرات نفت این کشور را تقریباً پنجاه درصد کاهش داد. دولت آمریکا در آبان‌ماه اعلام کرد که معافیته شش ماهه به خریداران عمده نفت ایران از جمله ترکیه می‌دهد و انتظار دارد تا ماه اردیبهشت خرید نفت از ایران به صفر برسد. در صورت تداوم فشارهای آمریکا، حتی اگر فروش نفت به صفر هم نرسد، صادرات نفت تهران می‌تواند مجدداً شاهد کاهشی پنجاه درصدی باشد. با در نظر گرفتن این موضوع که باز پرداخت قیمت نفت فروخته شده با ارزهای بین‌المللی و از طریق سیستم بانکداری رسمی امکان‌پذیر نخواهد بود، می‌توان گفت که در آینده‌ای نزدیک شاهد بحرانی جدی در اقتصاد ایران خواهیم بود.

ایران نتوانسته است به اقدامات آمریکا در حوزه اقتصادی پاسخی درخور بدهد. مقامات ایرانی که به تهدیدهای قبل از اردیبهشت ماه ترامپ، پاسخ‌هایی از همان جنس می‌دادند، به‌رغم خروج آمریکا از برجام، با درک این موضوع که باقی ماندن در برجام به نفع کشور خواهد بود، اقدام متقابلی انجام ندادند و در جستجوی راه‌حلی برای موضوع با همراهی پنج کشور دیگر برآمدند. تحولات ماه‌های گذشته نشان داد که برخلاف انتظارات بزرگ دولتمردان ایران، کشورهای اروپایی در این روند در مقابل فشارهای آمریکا نه تنها مقاومتی از خود نشان ندادند، بلکه سازوکار ویژه مالی (SPV) را هم (دست‌کم تا به امروز) اجرایی نکردند. حال آنکه در ماه‌های نخست، موضوع امکان بهره‌مندی کشورهای ثالثی همچون چین، روسیه و ترکیه از این سازوکار نیز مطرح شده بود. مقامات ایرانی به تغییر موضع کشورهای اروپایی که در ماه‌های نخست در حمایت از ایران سخن می‌گفتند، واکنش نشان دادند. از آن جمله مسئولان عالی‌رتبه و در رأس آنها دکتر جواد ظریف انتقادهای شدیدی در رابطه با فقدان اختیار و استقلال سیاسی کشورهای اروپایی مطرح کردند. در سال جدید میلادی، تنش در روابط ایران و اروپا تنها به موضوع تحریم‌ها محدود نماند، بلکه با متهم شدن سرویس‌های اطلاعاتی ایران به انجام سوءقصد در خاک اروپا، روابط به پرتنش‌ترین سطح در

سال‌های اخیر رسید. همزمان با اعلام تحریم‌های جدید علیه وزارت اطلاعات ایران از سوی کشورهای اروپایی، واکنش شدید فرانسه، به عنوان تنها دارنده سلاح اتمی در اتحادیه اروپایی به آزمایشات موشکی اخیر ایران نیز آشکارا نشان داد که اگر ایران موفق به حل مشکلات خود با آمریکا نشود، در روابطش با اروپا هم تحولات مثبت سیاسی و اقتصادی روی نخواهد داد.

اعلام برگزاری نشست بین‌المللی در ۲۴ بهمن در ورشو با میزبانی مشترک آمریکا و لهستان نشان دهنده این موضوع است که در سال جدید نیز اقدامات برای محاصره ایران با سرعت بیشتری تداوم خواهد یافت. دولت ترامپ که سعی داشت در شش ماهه نخست بعد از خروج از برجام، موضع کشورهای اروپایی نسبت به ایران را تغییر دهد، برای ایجاد هماهنگی منطقه‌ای به عنوان پایگاه دوم فشارها علیه ایران، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه را به منطقه فرستاد. تأکید مداوم پمپئو در طول سفر بر موضوع ایران، از این امر پرده بر می‌دارد. اظهارات پمپئو مبنی بر طولانی شدن تحریم‌های قطر، ناشی از نگرانی او در خصوص تضعیف جبهه مقابل ایران است. اساساً به غیر از عراق و قطر، بقیه کشورهای عربی منطقه اعتراض جدی‌ای در خصوص تحریم‌های ایران ندارند. به نظر می‌رسد ایالات متحده آمریکا می‌خواهد با برگزاری نشستی که احتمالاً اسرائیل نیز در آن شرکت خواهد جست، موضوع ایران را به مسأله‌ای بین‌المللی تبدیل و برای اقدامات بعدی خود علیه ایران، مشروعیتی جهانی فراهم کند. زیرا با وجود موضوع فلسطین، جنایت قاشقچی و یا بحران انسانی در یمن و سوریه، برگزاری نشستی بین‌المللی در خصوص خاورمیانه و با محوریت ایران مفهوم دیگری نمی‌تواند داشته باشد.

مقامات ایرانی که متوجه تنگ‌تر شدن محاصره بودند، برای فرار از فشارهای اقتصادی که تجربه آن را در دوره اوباما نیز داشته‌اند و نیز جلوگیری از تبعات اقتصادی افزایش بی‌رویه قیمت ارز و همچنین خرید زمان تا انجام مذاکرات مستقیم، شروع به رایزنی و انجام مذاکرات دیپلماتیک با کشورهای آسیایی و همسایه کردند. در همین راستا ایران که برای چین و هندوستان اهمیت فراوانی قائل است، در پی گسترش راه‌های متفاوت تجاری از جمله انجام معاملات با ارزهای محلی است تا بدین ترتیب بتواند تأثیرات تحریم‌ها را کاهش دهد. با این همه، رفتار آمریکا در دستگیری مدیران شرکت هواوی، غول الکترونیک چین، آن هم در کشوری ثالث، تردیدها در خصوص کارایی این استراتژی ایران را افزایش داد. ایران می‌داند که در چانه‌زنی‌های تجاری چند تریلیون دلاری قدرت‌های بزرگ، کشوری است که در نهایت می‌توان آن را کنار گذاشت. در همین راستا قطع روابط بانک چینی کونلون با ایران که در دور زدن تحریم‌های قبلی نقش داشت، نشانه مهمی در این خصوص به شمار می‌رود. بسیاری از مقامات ایرانی به این موضوع اذعان دارند که بسیاری از راه‌های دور زدن تحریم‌ها با مشکل مواجه شده است. بدین ترتیب ایران باید راه‌های تازه‌ای

برای دور زدن تحریم‌ها بیابد، اما با توجه به واکنش‌های غیرقابل پیش‌بینی ترامپ، تعداد کشورهای که بتوانند این خطر را به جان بخرند، زیاد نیست.

در چنین موقعیتی، همسایگان ایران اهمیت ویژه‌ای می‌یابند. موضع قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه و پاکستان و در رأس آنها کشورهای چوچ عراق و افغانستان که تحت نفوذ ایران و آمریکا هستند، در مبارزه ایران با چالش‌های سیاسی-اقتصادی در آینده نزدیک نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. با توجه به اینکه فشارها بر ایران وارد مرحله‌ای فراتر از فشارهای اقتصادی شده و همچنین گروه‌های قومی مسلح کرد، عرب و بلوچ حملات خود علیه ایران را افزایش داده‌اند، موضع کشورهای همسایه اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. کشورهای همسایه نه تنها به خاطر امکان تجارت قاچاق در طول مرزها، بلکه در خصوص نگرانی‌های امنیتی نیز دارای جایگاه پراهمیتی هستند. بر همین اساس، سخنان محمود علوی، وزیر اطلاعات ایران، در ماه‌های گذشته قابل تأمل بود: «سرویس‌های امنیتی کشورهای همسایه و حتی کشورهای دوردست، مستقیم علیه امنیت کشور وارد عمل شدند». در همین رابطه، تغییر موضع کشورهایی که به شکل سنتی دارای روابط حسنه با ایران هستند، مانند پاکستان (که احتمالاً با حملات اخیر در بلوچستان ایران مرتبط دانسته می‌شود)، در نتیجه فشار آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای صورت گرفته است. دولت جمهوری اسلامی نیز با اقدامات متقابل مانند ملاقات‌های منطقه‌ای همچون دیدار طولانی مدت ظریف از عراق، سعی در خنثی کردن آنها دارد. ایران که از نظر اقتصادی به تدریج در مضیقه قرار گرفته و در برابر آمریکا گزینه‌چندانی نیز ندارد، احتمالاً تلاش خواهد کرد در زمینه‌هایی غیر از اقتصاد بر آمریکا فشار وارد کند. ارسال ماهواره به فضا را می‌توان زهرچشمی در این زمینه ارزیابی کرد. همچنین تهدید به خروج از برجام و آغاز غنی‌سازی اورانیوم و یا علنی‌سازی و گسترش همکاری با طالبان را می‌توان ابزارهایی دانست که ایران در صورت به خطر افتادن ثبات خود، آنها را به کار خواهد برد. با این همه، راهبردهای احتمالی که امیر عبداللهیان مشاور رئیس مجلس آن را «شوک‌آور» توصیف کرده است، احتمالاً با ظرافت بسیاری طراحی خواهد شد؛ زیرا در صورت واکنش خارج از معمول تهران، فضای بین‌المللی بیشتر از قبل علیه ایران می‌شود و کشورهایی مانند چین و روسیه که به شکل سنتی از ایران حمایت می‌کنند نیز از این کشور فاصله خواهند گرفت. چنین موقعیتی می‌تواند فرصتی را که دشمنان ایران از جمله بولتون مدتهاست در پی آن هستند، فراهم آورد.

ترکیه که در سال‌های اخیر دارای روابط پرفراز و نشیبی با آمریکا بوده است، نگران تبدیل شدن موضوع ایران به بحرانی منطقه‌ای است. از آنجا که کشورهای منطقه مانند اسرائیل، عربستان سعودی و امارات متحده پایگاه منطقه‌ای استراتژی علیه ایران را تشکیل می‌دهند و این کشورها نیز دشمنی خود را با ترکیه پنهان نمی‌کنند؛ و از سوی دیگر موضع مشخص اشخاصی مانند جان بولتون در دشمنی با ترکیه که در

۲۵ تیر ۱۳۹۵ آشکارا خود را نشان داد؛ و نیز همانندی اتهامات محافل مذکور نسبت به ترکیه و ایران مانند «هژمونی منطقه‌ای» و یا «اسلامگرایی سیاسی»؛ این عوامل باعث می‌شوند ترکیه رویکردی محتاطانه نسبت به سناریوهای علیه ایران داشته باشد. از همین رو، در این اواخر این سخن که محور مذکور علیه دو کشور یک استراتژی اعلام نشده «مهار دوگانه» اعمال می‌کند، به کرات در آنکارا بر زبان آورده می‌شود. در اینجا باید توجه داشت که نگرانی‌های کوتاه مدت امنیتی ترکیه متمرکز بر سوریه و پ.ک.ک. است. از این روی دولت ترکیه به ویژه در سایه تجربه‌اندوزی‌های هشت ساله خود، خواهان بهره‌مندی از فرصت همکاری به وجود آمده با شخص ترامپ است. علی‌ایحال، آنکارا متوجه اهداف طولانی مدت زبان خصمانه حاکم بر گفتمان‌های غربی در رابطه با ترکیه نیز می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که ترکیه رویکرد خود را مبنی بر حفظ توافقات صورت گرفته در روند آستانه - هرچند که این توافقات محدود است، اما مطمئن - تداوم خواهد بخشید.

آنکاسام؛ موضع روسیه در قبال شرق فرات نویسنده: دکتر دین محمد امتبک

اجلاس تهران که در تاریخ ۷ سپتامبر ۲۰۱۸ با حضور ترکیه، روسیه و ایران برگزار شد، از سوی ترکیه نامطلوب ارزیابی شد، ولی در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۸ رئیس‌جمهور ترکیه و روسیه در سوچی دیدار دوجانبه‌ای انجام دادند که منجر به توافق سوچی شد و جو نامطلوب ایجاد شده در تهران را از بین برد. توافق ادلب از همه نظر دستاوردی مهم است. ترکیه و روسیه به این شکل از یک درام جدید در منطقه جلوگیری کردند. طرفین قبول دارند که اجرایی شدن توافقات زمان‌بر خواهد بود و اهمیت پیشرفت در این روند مهم است. هرچه مساله ادلب به راه‌حل نزدیک می‌شود، مساله شرق فرات بیشتر در دستور کار قرار می‌گیرد.

در تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۸ اردوغان از آغاز عملیات قریب‌الوقوع در شرق فرات خبر داد و یک روز قبل از آن نماینده ویژه روسیه در امور سوریه و معاون وزیر امور خارجه روسیه به ترکیه سفر کرده و به تبادل نظر پرداختند که احتمالاً درباره جزئیات عملیات نیز بحث صورت گرفته است.

اعتماد موجود میان اردوغان و پوتین و همکاری و رایزنی‌های نزدیک، به هماهنگی دو کشور در مورد سوریه کمک می‌کند. به عنوان مثال اردوغان و پوتین در حاشیه اجلاس جی ۲۰ در آرژانتین نیز دیدار

کرده و احتمالاً به موضوع سوریه پرداخته‌اند. سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه نیز وضعیت موجود در شرق فرات را همواره یادآور می‌شود و حتی در کنفرانس مطبوعاتی مورخ ۳۰ نوامبر ۲۰۱۸ گفت:

ارتش آمریکا حفاظت از یک نیمچه حکومت در شمال شرقی سوریه با کمک فعالان تجزیه طلب کرد را به یک وظیفه تبدیل کرده است. هفته گذشته آنها در تل‌ابیض و عین‌العرب در نوار مرزی ترکیه با سوریه به احداث برج‌های مراقبت آمریکایی ادامه دادند.

در این اظهارات مشخص است که روسیه منطقه واقع در شرق فرات را به عنوان حکومت کوچکی می‌بیند که از سوی آمریکا تشکیل شده است. از آن مهمتر اینکه مسئولین روسیه این مناطق را با نام‌های اصلی ذکر می‌کنند نه با نام‌هایی که بوسیله تبلیغات تحمیل شده است. همانطور که در اینجا هم مشاهده می‌شود، به جای کوبانی از عین‌العرب استفاده شده است.

سخنگوی وزارت خارجه روسیه در اظهارات خود در تاریخ ۵ دسامبر ۲۰۱۸ نیز به احتمال بکار بردن کارت کردی از سوی آمریکا اشاره کرده و گفت:

علی‌رغم اظهارات رسمی مربوط به حمایت آمریکا از اتحاد و تمامیت ارضی سوریه، هدف حضور غیر قانونی آمریکا این است که در شرق فرات با استفاده از کارت کردی اقدام به تجزیه سوریه کنند.

این اظهارات طرف روسی بعد از دیدار اردوغان و پوتین در اجلاس جی ۲۰ صورت گرفته و سخنگوی وزارت خارجه روسیه نیز در ابتدای اظهاراتش به دیدار روسای جمهوری روسیه و ترکیه در آرژانتین اشاره می‌کند. در این چارچوب می‌توان گفت تصمیم‌گیران روس به این باور رسیده‌اند که آمریکا کارت کردی خود را رو خواهد کرد. چنانچه اظهارات اردوغان در مورد عملیات در شرق فرات را در همین چارچوب ارزیابی کنیم، به این نتیجه می‌توان رسید که مسکو از عملیات حمایت می‌کند.

با توجه به منافع ملی روسیه در سوریه، حمایت روسیه از این عملیات منطقی به نظر می‌رسد. حتی اگر از دیدگاه مسکو به این قضیه نگاه شود، افزایش تنش میان ترکیه و آمریکا به نفع روسیه خواهد بود. در اینجا آنکارا باید مراقب جلوگیری از درگیری میان ارتش ترکیه و نظامیان آمریکایی مستقر در منطقه باشد. اظهارات اردوغان مبنی بر اینکه هدف از انجام این عملیات، عناصر تروریستی مستقر در منطقه هستند نه نظامیان آمریکایی، با هدف جلوگیری از چنین سناریویی بوده است.

در پایان، قدرت‌هایی که در بحران سوریه دخیل هستند، از جمله روسیه، به قاطعیت ترکیه در جلوگیری از استقرار گروه‌های تروریستی در مرزهای جنوبی که تهدیدی علیه ترکیه به شمار می‌رود، پی برده‌اند. هیچ یک از این قدرت‌ها در بحرانی که در سوریه روی می‌دهد به اندازه ترکیه متضرر نمی‌شوند، زیرا نه مسکو، نه واشنگتن و نه تهران همسایه سوریه نیستند و هیچ کدام در مورد سوریه به اندازه ترکیه حساسیت ندارند. به همین خاطر، عملیات در شرق فرات حق دفاع مشروع ترکیه برای از بین بردن تهدید علیه



امنیت ملی ترکیه است. کشوری مانند آمریکا که در داخل و مخصوصاً در مرزهای جنوبی رفتاری ظالمانه با مهاجران دارد، باید متوجه باشد کشوری مثل ترکیه که به روی میلیون‌ها مهاجر آغوش باز کرده و در عین حال مبارزه موثری با تروریسم انجام می‌دهد، به حکومتی تروریستی در مرزهای جنوبی خود اجازه نخواهد داد.

نویسنده: محمد عبدالمجید



✍ ایرام: بازسازی سوریه؛ از خیال تا واقعیت

با فروکش کردن عملیات نظامی در سوریه، نگرانی متحدین اسد به ویژه ایران نسبت به تزلزل موقعیت خود در آینده این کشور افزایش یافته است. جمهوری اسلامی که هزینه‌های زیادی در سوریه خرج کرده است، در تلاش است تا از هر طریق ممکن، نفوذ خود را در این

کشور حفظ نماید. از جمله اقدامات ایران برای تضمین حضور بلندمدت خود در آینده سوریه، تلاش جهت حضور فعال در روند بازسازی این کشور است. اما این حضور با موانع جدی روبرو است. ایران بنابر دلایل متعددی از توان و امکانات کافی برای ایفای نقشی برجسته در عملیات بازسازی این کشور برخوردار نیست. پوتین رئیس جمهور روسیه تلاش می‌کند مشروعیت از دست رفته اسد را به تدریج برگرداند و به جامعه جهانی نشان دهد که اسد زمام امور را در دست گرفته و چاره‌ای جز همکاری با او وجود ندارد. هدف مسکو از تسریع عملیات بازسازی سوریه، علاوه بر گرفتن امتیاز اقتصادی، تحکیم موقعیت اسد در قدرت است. با این حال، تلاش‌های مسکو برای قانع کردن آمریکا و کشورهای اروپایی جهت بازسازی سوریه و بازگشت پناهنجویان با شکست مواجه شد. پومپئو در پاسخ به پیشنهاد روسیه گفت: در صورتی که تمامی نیروهای مورد حمایت ایران از سوریه خارج نشوند، آمریکا یک دلار هم برای بازسازی این کشور در دوره بعد از جنگ نخواهد داد. آمریکا و اروپا کمک به بازسازی سوریه را مشروط به گذار سیاسی و برگزاری انتخابات سراسری تحت نظارت سازمان ملل می‌دانند. مسکو ربط دادن این مسأله به انتقال سیاسی را سیاسی‌سازی مسئله بازسازی توصیف می‌کند. کشورهای ثروتمند عرب هم به دلیل حضور پررنگ ایران در سوریه، تمایل چندانی به حضور در بخش فعالیت‌های اقتصادی را ندارند. تضعیف حضور ایران در سوریه یکی از راه‌های پیش روی روسیه برای قانع کردن کشورهای مختلف به مشارکت در روند بازسازی این کشور است.

ایران معتقد است که اکنون وقت آن رسیده که اسد زحمات متحدانش را جبران کرده و وام خود را از طریق دادن امتیاز به آنها بپردازد. مقامات ایرانی بازسازی سوریه را فرصتی برای خروج از بحران ناشی از تحریم‌های جدید امریکا می‌دانند و معتقدند با توجه به نفوذ خود بر دولت اسد، می‌توانند قراردادهای مورد علاقه را به او تحمیل کنند. رحیم صفوی فرمانده پیشین سپاه پاسداران و مشاور عالی خامنه‌ای اولین کسی بود که از ضرورت برگرداندن هزینه‌های هنگفت جمهوری اسلامی در سوریه از طریق مشارکت در بازسازی آن سخن گفت. به ادعای وی، اسد آماده است از نفت، گاز و معادن فسفات سوریه این هزینه‌ها را برگرداند. او با اشاره به قرارداد ۴۹ ساله روسیه با دولت اسد که بر اساس آن هم پایگاه نظامی گرفتند و هم امتیاز اقتصادی و سیاسی، خواستار انعقاد قراردادهای طولانی مدت سیاسی و اقتصادی با دولت اسد شد. کریمی قدوسی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هم با اشاره به ذخایر مهم نفتی و گازی در سوریه مدعی شد که بشار اسد حاضر است در ازای بازسازی مناطق جنگی، این ذخایر را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد. او افزود: سوری‌ها حاضرند مصالح ساختمانی ایران را با قیمتی بالاتر از اتحادیه اروپایی از ایران بخرند که این امر با توجه به تعطیلی کارخانجات و رکود حاکم بر بسیاری از کارگاه‌های تولید کشور بسیار حائز اهمیت است. اما به نظر می‌رسد اظهارات مبنی بر اینکه ایران در حال بازپس‌گیری هزینه‌های خود در سوریه است، بیشتر مصرف داخلی دارد.

بشار اسد اگرچه وعده داده بود که ایران بزرگترین شریک اقتصادی سوریه در مرحله بازسازی خواهد بود، اما او نیک می‌داند که بقای در قدرت با تداوم حضور فعال ایران در سوریه امکان‌پذیر نیست، لذا در عمل در مسیر حضور فعال تهران در سوریه سنگ‌اندازی می‌کند. به نظر می‌رسد مقامات جمهوری اسلامی پی برده‌اند که این وعده‌ها در حد وعده باقی مانده و اسد نه تنها مسکو را بر تهران ترجیح می‌دهد، بلکه سعی می‌کند سرمایه‌گذاران عرب خلیج فارس را هم جذب کند. اظهارات مکرر مقامات جمهوری اسلامی مبنی بر آمادگی این کشور برای مشارکت در بازسازی سوریه، نشان دهنده آن است که تهران نتوانسته است به سهم قابل توجهی در بازسازی سوریه دست یابد. در ۵ تیرماه سالجاری، بهروز بنیادی نماینده مجلس شورای اسلامی در انتقادی کم سابقه از نزدیکی روسیه و سوریه گفته است: امروز شاهد این هستیم که با تمام وقاحت، اسد وزنه هم‌نوایی خود با پوتین را سنگین‌تر کرده است. دور نیست که این دو مهره سیاسی، ما را در راه منافع خود و به زودی برای نتانیاهو و ترامپ قربانی کنند.

رسانه‌های جمهوری اسلامی هم در ماه‌های اخیر بارها نسبت به دور زدن تهران توسط روسیه در موضوع بازسازی سوریه هشدار دادند.

جمهوری اسلامی پیش از پایان جنگ، خود را برای حضور در دوران پس از جنگ آماده و قبل از ورود دیگر بازیگران، قراردادهایی را با دولت اسد بسته بود. در دی ماه ۱۳۹۵ پنج سند همکاری میان دو کشور

شامل ساخت یک نیروگاه برق در لاذقیه، بازسازی نیروگاه برق حرارتی در حلب و نیروگاه‌های برق حمص و دیرالزور، واگذاری اپراتور سوم تلفن همراه به ایران، استخراج فسفات از شرق سوریه، واگذاری ۵ هزار هکتار زمین به ایران برای توسعه کشاورزی و هزار هکتار برای ساخت نیروگاه نفت و گاز و سرمایه‌گذاری در بخش بنادر سوریه امضا شد. در مهر ۱۳۹۷ نیز شرکت برق مپنا قرارداد احداث یک واحد نیروگاهی ۵۴۰ مگاواتی در لاذقیه به ارزش ۴۱۱ میلیون یورو را امضا کرد.

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند زمینه ورود بخش خصوصی نیز به فعالیت‌های اقتصادی و به ویژه بازسازی سوریه را فراهم کند. وزیر مسکن سوریه در مرداد ۹۷ از پروژه ساخت ۳۰ هزار واحد مسکونی در استانهای دمشق، حلب و حمص توسط بخش خصوصی ایران خبر داد. در آبانماه سالجاری نیز یک هیئت اقتصادی ایرانی به نمایندگی از ۱۸۰ شرکت عمران و ساخت و نفت و آهن از سوریه دیدار و پیشنهاد تأسیس کارخانه‌هایی برای تولید مصالح ساختمانی در سوریه را مطرح کرد.

ایران در تلاش است تا از طریق راه‌آهن به مدیترانه دسترسی داشته باشد. برای تحقق این امر، قرار است راه آهن شلمچه به بصره تکمیل شود. حضور نیروهای آمریکایی در شمال شرق سوریه مانعی بر سر راه این هدف بود، اما با اعلام خروج آنها، این هدف تحقق‌پذیر خواهد بود. ساخت این راه آهن، نقش ایران در بازسازی سوریه را پررنگتر و دسترسی به سواحل مدیترانه را هم آسانتر خواهد کرد.

با این وجود و علیرغم امضای این همه قرارداد، مفاد بیشتر آنها با گذشت یکی دو سال از امضای آن، هنوز عملیاتی نشده است.

اما آیا ایران توانایی بازسازی سوریه را دارد؟ در اوت ۲۰۱۸، سازمان ملل هزینه بازسازی سوریه را ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد کرد. جنگ در سوریه سبب تخریب گسترده منازل مسکونی، مراکز بهداشتی، مراکز آموزشی و مؤسسات اداری و قسمت عمده‌ای از تأسیسات زیربنایی کشور شده است. گذشته از رقابت با روسیه و تعلق بشار اسد، در مورد توان ایران برای حضور فعال در بازسازی این کشور شک و تردید وجود دارد، چراکه تحقق این آرزو امکانات و هزینه‌های هنگفتی می‌طلبد که ایران از آن برخوردار نیست. ایران در شرایط عادی هم دارای امکانات کافی برای بازسازی سوریه نیست، چه برسد به دوران تحریم و بحران اقتصادی. این کشور خود شدیداً به فناوری و سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه‌های مختلف نیاز دارد. بر اساس گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ایران سالیانه به ۴۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی برای بهبود اقتصاد خود نیاز دارد که در سال ۱۳۹۵ نتوانست بیش از ۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کند. بنابر گزارش‌های مجلس، بیش از ۷۰ هزار پروژه نیمه تمام در کشور وجود دارد که برای تکمیل آنها به ۵۰۰ هزار میلیارد تومان نیاز هست و به دلیل نبود سرمایه، این پروژه‌ها نیمه تمام

رها شده‌اند. برخی ناظران معتقدند که ایران با توجه به نفوذی که بر اسد دارد، می‌تواند امتیاز پروژه‌هایی از دولت سوریه بگیرد و با دریافت پورسانت به شرکت‌های چینی تحویل دهد. با این همه، درآمد ایران از همه این پروژه‌ها در مقایسه با هزینه‌ای که صرف بقای اسد در قدرت کرده ناچیز به نظر می‌رسد. هدف ایران از این پروژه‌ها ایجاد پای مستحکمی برای خود در آینده سوریه است. با تمام این احوال، بدون حل سیاسی و انتقال قدرت در سوریه، سخن از بازسازی این کشور بی‌معنی است. بنابر این و با توجه به اوضاع کنونی و چشم‌انداز نامشخص در مورد این کشور، زمان بازسازی آن هنوز فرانسیده است.

✍️ ستا؛ فقدان انسجام در سیاست خارجی آمریکا در قبال سوریه نویسنده: کیلیچ بورگا کانات

سفر مشاور امنیت ملی رییس جمهور آمریکا به ترکیه فرصت مهمی بود تا برخی از ابهامات ناشی از بیانیه‌های متفاوت واشنگتن در مورد خروج نیروهای آمریکایی از سوریه روشن شود. اعلام خروج نیروهای آمریکایی از سوریه، سوالات زیادی را در خصوص نحوه اجرای این تصمیم برانگیخت. بعد از دو تماس تلفنی میان روسای جمهور آمریکا و ترکیه، بیانیه‌های متعدد در خصوص زمان اجرای این تصمیم و نوع خروج نیروهای آمریکایی، نگرانی‌های جدی را در بین دولتمردان ترکیه ایجاد کرد. با توجه به تعهدات نافرجام پیشین آمریکا، ابهامات در این زمینه خطری جدی برای آینده روابط آمریکا و ترکیه به شمار می‌رفت و سفر بولتون می‌توانست به کاهش نگرانی‌های آنکارا کمک نماید. با اینحال، این سفر دقیقاً نتیجه معکوسی داشت. طی چندین سال گذشته، برخی از مقامات آمریکایی با اظهارات و اقدامات خود، تصویر ایالات متحده را در ترکیه مخدوش کرده‌اند. عدم حساسیت به نگرانی‌های امنیتی ترکیه، گرفتن عکس یادگاری با اعضای گروه‌های تروریستی و استفاده از رسانه‌های گروهی برای تعریف و تمجید از این گروه‌ها، موجب افزایش احساسات ضدآمریکایی در بین مردم ترکیه شده است.

تصمیم ترامپ مبنی بر خروج آمریکا از سوریه، خوش‌بینی محتاطانه‌ای را در بین برخی از ترک‌ها در خصوص پایان یافتن مشارکت مسئله‌ساز میان آمریکا و گروه کردی YPG ایجاد کرد. با اینحال، قبل از رسیدن بولتون به آنکارا، برخی از اعضای دولت آمریکا تمام اقدامات ممکن برای از بین بردن این خوش‌بینی را انجام دادند و انگار این افراد برای جلوگیری از مشارکت میان ترکیه و آمریکا تلاش می‌کنند.

اول از همه، پمپئو وزیر خارجه آمریکا در یک مصاحبه از مقابله با قتل عام کردها توسط ترکیه خبر داد. بسیاری در ترکیه تصور می‌کردند که اشتباهی در ترجمه سخنان پمپئو رخ داده است، چراکه ترکیه سال‌های طولانی مأمونی برای کردها (در مقابل صدام، جنگ داخلی در سوریه و گروه کردی YPG) بوده است. اظهارات پمپئو نه تنها برای ترکیه، که برای کردها نیز توهین‌آمیز بود، چراکه وزیر خارجه آمریکا همه کردها را در قالب یک گروه تروریستی جای داده بود.

این اظهارات آسیب خود را داشت و در حالیکه همه امیدوار بودند که این آخرین فاجعه در دیپلماسی عمومی آمریکا باشد، اظهار نظر دیگری از بولتون قبل از سفر به آنکارا منتشر شد. بولتون تاکید داشت که قصد دارد در سفر به آنکارا، ترکیه را نسبت به کشتار کردها در سوریه برحذر دارد. همه از اشتیاق بولتون و پمپئو در اینهمه اظهار نظر در یک دوره کوتاه مدت شوکه شده بودند. هر دوی آنها گاه و بیگاه اظهاراتی متضاد با تصمیم ترامپ و حتی سخنان قبلی خودشان بیان می‌کردند. این اظهارات نشان می‌دهد که آنها سیاست و یا حساسیت ترکیه نسبت به این موضوعات را درک نکرده‌اند.

اگر منظور بولتون از کردها، کردهای شمال سوریه است، وی نیز مانند پمپئو نظر توهین‌آمیزی علیه ترکیه و کردها داده است. اگر منظور وی گروه YPG است، باید بداند که ترکیه این گروه را یک سازمان تروریستی می‌داند و آمریکا نیز می‌بایست مدت‌ها پیش چنین می‌کرد. اظهارات بولتون قبل از سفر به ترکیه، بستن درهای آنکارا به روی خود بود. تاسف‌آور است که دولت آمریکا وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی دارد که بجای حل چالش‌های روابط و تقویت اتحادها، چنین اظهاراتی را بیان می‌کنند و به روابط دو هم‌پیمان ناتو آسیب می‌زنند. اکنون نوبت روسای جمهور دو کشور است که مسائل را به پیش برده و روابط دو کشور را اصلاح نمایند.

کرام: تصمیم ترامپ برای خروج از سوریه و پیامدهای احتمالی آن نویسنده: دکتر حقی ایغور  
انتشار خبر تصمیم ترامپ برای خارج ساختن نیروهای آمریکایی از سوریه در تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۹۷، بسیاری را به معنی واقعی کلمه متعجب ساخت. اگرچه او قبلاً هم سخنان مشابهی مطرح کرده بود، اما کسی باور نمی‌کرد خروج نیروهای آمریکایی در چنین مدت کوتاهی به واقعیت بپیوندد. رئیس‌جمهور آمریکا، فردای آن روز در توضیحاتی، ضمن تأکید بر این نکته که قبلاً هم این دیدگاه خود را مطرح کرده بود، ماندن آمریکا در سوریه بعد از نابودی داعش را بی‌معنی دانست. تصمیم ترامپ موجب واکنش‌های داخلی و خارجی بسیاری شد که در رأس آنها استعفای جیمز ماتیس، وزیر دفاع آمریکا قرار داشت. در این میان،

تأکید ماتیس در متن استعفانامه خود بر مسأله «خیانت به هم‌پیمانان»، توجه ناظران را به خود جلب کرد.

اتخاذ این تصمیم از سوی ترامپ بعد از گفتگوی تلفنی او با اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، این گمان را تقویت کرد که این موضوع با عملیات قریب‌الوقوع ترکیه علیه تروریست‌ها مرتبط است. تنش نظامی میان دو کشور قبل از آغاز عملیات به شدت افزایش پیدا کرده و حتی سرهنگ شان رایان، سخنگوی ائتلاف ضد داعش، در مطلبی در رسانه‌های اجتماعی، ارتش جمهوری ترکیه را متهم به «تروریسم» کرده بود. پایان بُردباری ترکیه در مقابل سازمان ی.پ.گ و تصمیم این کشور بر انجام عملیات علیه آن و بعد از ماه‌ها انتظار، در حقیقت می‌توانست نقطه عطفی در روابط میان ترکیه- آمریکا باشد.

تسلط ی.پ.گ به عنوان شاخه سازمان تروریستی پ.ک.ک بر بخش‌های وسیعی از سوریه و مهمتر از آن، کسب مشروعیت در محافل بین‌المللی تا بدانجا که از آن به عنوان یکی از «هم‌پیمانان» خود نام برند، بیش از آنکه ناشی از توانایی‌های سازمان مذکور باشد، ناشی از شرایط سیاسی داخلی ترکیه در سال‌های اخیر است. دولت آنکارا که بعد از حوادث پارک گزی تحت فشارهای روانی، اقتصادی، سیاسی و حتی کودتای نظامی قرار گرفته و در نتیجه آن، مجبور به تعویق انداختن بسیاری از اقدامات اساسی خود شده بود، توانست بعد از کودتای نافرجام، هماهنگی میان ارگان‌های حکومتی را به سرعت برقرار و با تکیه بر اختیارات ناشی از نظام ریاستی، سیستم حکومتی را بازسازی کند و بدین ترتیب تمام موانع بر سر راه بازگشت قدرتمندان به میدان بازی را از سر راه خود بردارد. بدین ترتیب، از درگیری میان ارگان‌های حکومتی که پیش از این در ترکیه به وفور مشاهده می‌شد، جلوگیری به عمل آمد و فراتر از آن، کارشکنی‌هایی که به بهانه‌های مختلف در قبال فعالیت‌های اراده سیاسی حاکم صورت می‌گرفت، تا حد زیادی کاهش یافت.

بعد از تغییرات ساختاری مزبور، دیگر هیچ مانعی در برابر ترکیه برای کنترل نظامی مناطق هم‌مرز با سوریه وجود نداشت. تنها عاملی که می‌توانست جلوی ارتش حرفه‌ای ترکیه را بگیرد، احتمال دخالت مستقیم نیروهای آمریکایی به عنوان پشتیبان سازمان تروریستی ی.پ.گ بود. برخی استدلال می‌کردند که آمریکا برای حفظ ی.پ.گ ممکن است با ترکیه‌ی عضو ناتو، وارد تقابل نظامی شود. اما همه می‌دانند که آمریکا در به کار بردن گزینه نظامی حتی علیه سازمان‌ها و کشورهایی که صدها تن از نیروهایش را به قتل رسانده‌اند، از خود تردید نشان داده و نیز با مداخله نظامی علیه اسد مخالفت کرده بود.

موافقت آمریکا با فروش سیستم دفاع موشکی پاتریوت به ترکیه، موضع‌گیری آن کشور در قبال ی.پ.گ و نیز حرکت خوشایند احتمالی در موضوع سازمان تروریستی فتح‌اله گولن در روزهای بعدی، نشان دهنده خواست و اراده ترامپ برای آغاز دوره‌ای جدید در روابط آمریکا- ترکیه است. چراکه از دوره دوم حکومت

اوباما به بعد، روابط میان دو کشور تا حد زیادی خدشه‌دار شده و در نهایت با کودتای نافرجام ۱۵ جولای به بدترین شکل ممکن درآمده بود. از اینرو، توسعه روابط با کشورهایی چون روسیه و ایران در سال‌های اخیر و به ویژه در حوزه‌های دفاعی و سیاست خارجی که با امنیت ملی مرتبط هستند، در واقع اجرای «نقشه دوم» از سوی ترکیه در پی خدشه‌دار شدن روابط سنتی با آمریکا در دوره اوباما به شمار می‌رود. ترکیه موفقیت نسبی در این سیاست‌ها به دست آورد و در کنار اقداماتی همچون روند آستانه، جلوگیری از حمله به ادلب و عملیات عفرین، توانست تفاهم‌نامه‌ای با روسیه در خصوص دریافت و تولید مشترک سیستم دفاع موشکی دوربرد به امضا برساند؛ سیستمی که آمریکا بیش از بیست سال بر عدم فروش آن به ترکیه پافشاری می‌کرد.

اگر ترامپ، برخلاف رویه دیوانسالاری مستقر در آمریکا، موفق به اجرای سیاستی ترکیه محور در استراتژی منطقه‌ای خود شود، اتحادی را که ترکیه در سال‌های اخیر در پی گسترش آن است، با چالش جدی مواجه خواهد ساخت. حمایتی که ترامپ از ترکیه انتظار خواهد داشت، به احتمال قوی در ارتباط با سیاست‌هایی است که هم‌پیمانانش از قبیل اسرائیل، عربستان سعودی یا ی.پ.گ نتوانسته‌اند از عهده اجرای آنها برآیند، و برای اجرا نیازمند کشوری با ظرفیت‌ها و وزن ترکیه هستند. به عبارت روشنتر، تصویر منفی اسرائیل در نزد مردمان منطقه، رفتارهای نسنجیده شاهزاده نورسیده عربستان و نیز پریشان حالی و فراری شدن «گریلاها» در برابر چند صد تروریست داعشی به محض قطع حمایت‌های هوایی آمریکا، بار دیگر نشان داد که اهمیت ترکیه صرفاً برخاسته از موقعیت ژئوپلیتیکی آن نیست و این کشور بعد از جنگ کره، بی‌جهت به عنوان هم‌پیمان اصلی آمریکا انتخاب نشده است.

در موقعیت کنونی این مسأله که آیا ی.پ.گ با عملیات نظامی فراگیر ترکیه تماماً از پای در خواهد آمد یا اینکه تحت حمایت رژیم سوریه، به زندگی نباتی خود ادامه خواهد داد، در درجه دوم اهمیت قرار دارد. چراکه در صورت همکاری با رژیم نیز مجبور خواهد شد بخش عظیمی از سرزمین‌های تحت کنترل خود را به او تسلیم کند. عشیره‌های عرب منطقه مدت مدیدی است از وجود ی.پ.گ ناراضی هستند، اما به خاطر ترس از اتهام انتساب به داعش، دم بر نمی‌آورند. ی.پ.گ که در بدترین سناریو نیز، حداقل حاکمیت خود بر سه چهارم سرزمین‌های تحت کنترل و همچنین مناطق استراتژیکی چون حوزه‌های نفت و آب را از دست خواهد داد و از نظر جغرافیایی تبدیل به جزایری جدای از هم خواهد شد، قادر به تداوم حاکمیت متکی بر سلاح خود نخواهد بود و با واکنش‌های شدید مردم کرد محلی مواجه خواهد گشت. بدین ترتیب ی.پ.گ دیگر تهدید جدی برای ترکیه نخواهد بود.

ترامپ در قبال گام‌هایی که برداشته است، قبل از هر چیز از ترکیه انتظار همکاری بیشتری در موضوع ایران، به عنوان اصلی‌ترین هدفش در منطقه را خواهد داشت. در حالی که ترکیه خرید نفت از ایران را

کاهش داده، ترامپ از این کشور خواهد خواست تا لحن خود را نیز ملایمتر کند و در کنار آن، به مانند دیگر کشورهای همسایه، قدم‌های عملی علیه ایران بردارد. از آنجا که ترکیه به شکلی سنتی، یکی از مراکز اصلی استقرار مهاجران و مخالفان ایرانی است و همچنین با توجه به نفوذ معنوی ترکیه بر بخش زیادی از اقلیت‌های گوناگون ایرانی که بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، موضع ترکیه در تحولات مرتبط با ایران بسیار تعیین کننده است. در واقع موضعگیری ترکیه تا به امروز همیشه در جهت حفظ ثبات ایران بوده است. ترکیه همواره از ایران که با انقلاب ۵۷، به انزوای سیاسی و تحریم‌های اقتصادی دچار شده، حمایت کرده و در سال ۱۳۸۹ به همراه برزیل در مسأله هسته‌ای نقش میانجیگری را ایفا کرده و در دوره اوباما برای آنکه مردم ایران از تحریم‌های شدید آسیب نبینند، هر آنچه را از دستش بر می‌آمد، انجام داده است. با این همه، به اعتقاد بسیاری از مسئولان و کارشناسان، ایران پاسخ مثبتی به این رفتارهای ترکیه نداده و حتی در موضوعات بی‌ربطی همچون مشکلات محیط زیستی، ترکیه را مقصر قلمداد کرده و سعی در ایجاد جبهه‌ای متقابل داشته است.

تحول اساسی در روابط ترکیه با آمریکا در صورتی می‌تواند تحقق پیدا کند که دولتمردان و مسئولانی که به ویژه در پنج سال گذشته در ایجاد فضای ضدترکی در واشنگتن نقش داشته‌اند، جای خود را به کسانی بسپارند که هماهنگ‌تر از قبل با ترکیه عمل کنند؛ طبیعتاً آنکارا نیز مقتضیات لازم برای این انعطاف را فراهم خواهد ساخت. یکی از شاخصه‌های تعیین کننده در موضوع ایران، بدون تردید واکنش این کشور در قبال فعالیت‌های ضد تروریسم ترکیه خواهد بود. فعالیت‌های ترکیه علیه ی.پ.گ یا داعش اگر به هر دلیلی با پاسخ نظامی نیروهای طرفدار ایران یا رژیم سوریه مواجه شود، بی‌شک موضع ترکیه نیز تشدید خواهد شد. دولت ترکیه که به خاطر امنیت ملی خود حتی حاضر به قطع تمامی روابط با آمریکا شده، بدون شک در مقابل شبه نظامیان وابسته به ایران یا رژیمی اسد تسامحی از خود نشان نخواهد داد. با این همه، لازم است ترکیه با لحنی مناسب این نکته را به طرف‌های حاضر در روند آستانه و به ویژه روسیه خاطر نشان سازد که این عملیات نه علیه رژیم، بلکه علیه سازمان‌های تروریستی مذکور انجام خواهد شد. زیرا تقابل نظامی ترکیه با شرکای خود در روند آستانه، می‌تواند بحران سوریه را به مرحله خونین‌تری سوق دهد.

✍️ آنکاسام: جستجوهای ترامپ و آمریکا برای هرج و مرجی جدید در سیاست بین الملل

نویسنده: دکتر نوری کورکماز

اخیراً تحولات در حوزه‌های سیاست بین‌الملل از اخبار سیاست داخلی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. بعد از سرکار آمدن ترامپ، تغییرات روی داده در سیاست خارجی آمریکا، کشورهای جهان را متحیر کرده



چرا که گام‌های برداشته شده از سوی دولت ترامپ به وجهه قدرت بزرگ جهانی بودن آمریکا آسیب وارد کرده و موجب انزوای آن خواهد شد. به طوری که نه تنها اعضای حزب دموکرات بلکه در میان جمهوری خواهان نیز گروهی معتقدند آمریکا در دوره ترامپ از دیپلماسی دور شده و به کشوری که حتی با متفق‌های خود نیز درگیر می‌شود، تبدیل گردیده و این رویه می‌تواند به قدرت جهانی آمریکا خاتمه دهد. مخصوصاً کاهش فعالیت‌های اقتصادی آمریکا در منطقه آسیا-پاسفیک، ممکن است از لحاظ سیاسی نیز عواقب داشته و برتری آمریکا در این منطقه از بین برود. با به قدرت رسیدن ترامپ، آمریکا از قراردادهای مهمی عقب‌نشینی کرد که عبارتند از:

۱- توافق پاریس مربوط به آلودگی هوا. این کار نه تنها بین آمریکا و شرکای اروپایی آن اختلاف ایجاد کرد بلکه ایالت‌های آمریکا را نیز به عنوان دموکرات و جمهوری خواه به دو دسته تقسیم کرد. ایالت‌های جمهوری خواه از این وضعیت خشنود هستند در حالیکه ایالت‌های دموکرات اعلام کردند تاسیسات صنعتی جدید را با توجه به ضوابط توافق پاریس اجرا خواهند کرد.

۲- قرارداد همکاری ترانس - پاسفیک: این توافق در دوره اوباما به امضا رسید ولی چون از سوی کنگره تایید نشد، اجرایی نگردید. ترامپ مدعی شد این توافق به افزایش ظرفیت تولید آمریکا کمکی نخواهد کرد.

۳- توافق هسته‌ای با ایران: اگر فکر کنیم که عقب‌نشینی آمریکا از این توافق برای امنیت اسرائیل بوده است، پس می‌توان گفت آمریکا تلاش دارد از توسعه ایران در منطقه جلوگیری نماید. ولی بعد از عقب‌نشینی ترامپ از این توافق، کشورهای اروپایی اقداماتی برای حفظ منافع شرکت‌های اروپایی در مقابل تحریم‌های آمریکا انجام دادند که موجب ایجاد قطبیت شد. کشورهای اروپایی اقدام به تشکیل سیستم پرداختی آنلین دیگری غیر از سویفت کردند.

۴- قطع رابطه با ونزوئلا: این اقدام از لحاظ آسیب آن به حضور آمریکا در آمریکای لاتین نگرانی زیادی به بار آورد. علیرغم این وضعیت، رئیس کمیسیون روابط خارجی مجلس سنای آمریکا به کشور ونزوئلا سفر کرد و با مادورو دیدار نمود که نشان می‌دهد قطعی روابط میان دو کشور طولانی نخواهد بود.

۵- عدم امضای توافق مشترک جی-۷: موضعگیری آمریکا در اجلاس جی ۷ نشان دهنده تنش جدی با کشورهای نظیر کانادا، آلمان و فرانسه است. امتناع ترامپ از امضای بیانیه نهایی موجب شد این اجلاس به شکل بدی خاتمه یابد. ترامپ خاطرنشان کرد ۶ کشور دیگر در تجارت با آمریکا برای خود امتیازاتی قایل شده‌اند که آمریکا را متضرر کرده و ادامه این وضعیت امکان‌پذیر نیست.

۶- قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی: ترامپ این قرارداد را نیز عامل کسری تجارت خارجی می‌داند.

۷- توقف موقت تحویل اف ۳۵ به ترکیه: کنگره آمریکا به بهانه بازداشت کشیش آمریکایی در ترکیه و خرید سامانه موشکی اس ۴۰۰ از روسیه، روند تحویل جنگنده‌های اف ۳۵ را به طور موقت متوقف کرد که به لحاظ آسیبی که می‌تواند به همکاری نظامی دو کشور وارد کند، نمی‌تواند طولانی باشد.

۸- عقب‌نشینی آمریکا از شورای حقوق بشر سازمان ملل: این کار موجب گردید نام آمریکا در کنار کشورهای نظیر اریتره و فیلیپین که کارنامه آنها در مورد حقوق بشر ضعیف است، قرار گیرد. لیکن نقض‌های آمریکا در مورد حقوق بشر مربوط به کشور خود نبوده بلکه مربوط به کشورهای است که مورد اشغال آمریکا قرار گرفته است. نقض‌های روی داده در عراق، افغانستان و سوریه و مورد هدف قرار گرفتن غیر نظامیان به بهانه مبارزه با تروریسم، آمریکا را در مورد حقوق بشر در تنگنا قرار داده است.

قشری وجود دارد که همه این تحولات را به عنوان جستجوی جمهوری خواهان برای رسیدن به تعادلی تازه تلقی می‌کنند. گروهی در واشنگتن به رهبری ترامپ با توجه به تجارت منفی آمریکا با اروپا، خواستار تشکیل سیستم عادلانه‌تری برای آمریکا هستند. آنها انتظار دارند از جنگ تجاری که ترامپ راه‌اندازی کرده، با استفاده از هرج و مرج موجود در قوانین و سیاست‌های بین‌الملل، وضعیتی که به نفع آمریکا است به وجود آید.

✍ آنکاسام: مهمان نوازی در دیپلماسی عمومی ترکیه نویسنده: دکتر محرم اِکشی

ترکیه در مقایسه با سایر کشورهای غربی، استفاده از دیپلماسی عمومی به عنوان یک سیاست دولتی را بسیار دیر هنگام و از سال ۲۰۱۰ به بعد آغاز کرد. از ژانویه سال ۲۰۱۰ و با تاسیس دفتر دیپلماسی عمومی نخست‌وزیری، دولت ترکیه دیپلماسی عمومی را هماهنگ و همسو با سیاست خارجی خود مورد بهره‌برداری قرار داد. بعد از انتخابات ۲۴ ژوئن ۲۰۱۸ و تغییر نظام سیاسی ترکیه به ریاستی، دفتر مذکور منسوخ و دفتر ارتباطات ریاست جمهوری به ریاست فخرالدین آلتون جایگزین آن شد. این تغییر حاکی از حفظ جایگاه عالی دیپلماسی عمومی در سیاست‌های دولت ترکیه بود.

در ابتدا، ترکیه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، از دیپلماسی عمومی بعنوان ابزاری برای معرفی الگوی جدید این کشور برای جهانیان بهره می‌برد. در این چارچوب، هدف دولت ترکیه استفاده از دمکراسی اسلامی بعنوان قدرت نرم خود برای تبدیل شدن به الگویی در خاورمیانه بود. ترکیه توانست طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ با سیاست خارجی چندجانبه و متنوع در بخش‌های دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی کمک‌های خارجی و انسان‌دوستانه، جایگاهی برای خود پیدا کند. به همین دلیل، بازیگران جدید در کشورهای اسلامی خاورمیانه بعد از بهار عربی، ترکیه تحت رهبری

آک پارتی را الگوی خود قرار دادند. هرچند این انقلابها آنچنان که انتظار می‌رفت جلو نرفت و جایگزین جنگ‌های داخلی شد. بخصوص جنگ داخلی در سوریه نه تنها دیپلماسی قدرت نرم ترکیه را به هم ریخت، بلکه این کشور را به سمت اتخاذ قدرت سخت و سیاست نظامی و دفاعی برد.

جنگ سوریه باعث شد که ترکیه با میزبانی قریب به ۴ میلیون پناهنده سوری، به مهمان‌نوازترین کشور دنیا تبدیل شود. در حالیکه کشورهای غربی چشم خود را به پناهندگان سوری بسته بودند، ترکیه با اتخاذ سیاست درهای باز موجب شد تا به کشوری دوست‌داشتنی نزد جامعه بین‌المللی و افکار عمومی تبدیل شود. ترکیه با صرف هزینه ۳۱ میلیون یورویی برای تامین نیازهای پناهندگان از قبیل سرپناه، آموزش و غذا، تبدیل به الگویی برای مهمان‌نوازی در دنیا شد و تقدیر جامعه بین‌المللی را به خود اختصاص داد. در همین راستا، سیاست ترکیه نسبت به پناهجویان سوری روایت جدیدی از دیپلماسی عمومی این کشور شد و سیاست خارجی این کشور به عنوان "سیاست خارجی انسان‌دوستانه" تعریف شد. الگویی که با بهار عربی متوقف شده بود، مجدداً با دیپلماسی عمومی در خصوص پناهندگان سوری شکل جدیدی به خود گرفت.

رهبران ترکیه با استفاده از تشبیه "مهاجر و انصار" صدر اسلام از یکسو و استفاده از دیپلماسی عمومی از سوی دیگر، برای تبدیل شدن به یک الگو و مآمن مهاجرین تلاش می‌کنند.

ترکیه در سال‌های اخیر با اتخاذ دیپلماسی صلح جهانی در یک جغرافیایی وسیع، از سودان تا سومالی و از فلسطین تا میانمار، و با کمک‌های انسان‌دوستانه و سخاوتمندانه و مهمان‌نوازی، نگرش جدیدی از دیپلماسی عمومی را ارائه داده و حتی به کشوری تبدیل شده است که می‌تواند با اتخاذ اصول جدید دیپلماسی، نرم‌های جدید مبتنی بر بشریت را تولید کند.

اصطلاح آقای اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه مبنی بر اینکه "جهان بزرگتر از ۵ کشور است"، انتقاد شدید به شکست جامعه بین‌المللی و بویژه سازمان ملل در حل بحران‌های بزرگ انسانی است. عدم کارآمدی سیستم کنونی بین‌المللی بدلیل تغییر سیاست‌های جهانی فعلی به سیاست‌های هرج و مرج طلبانه موجب افزایش و دائمی نمودن بحران‌های انسانی در سراسر جهان شده است. این موضوع باعث شده تا سیاست خارجی انسان محور و صلح‌جویانه ترکیه به یک الگو تبدیل شود.

نویسنده: هازل چاگان البیر

آویم؛ آیا فرانسه متحد قابل اعتمادی است؟

ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده در تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۱۸ اعلام کرد که سربازان آمریکایی را از سوریه بیرون خواهد برد. واکنش فرانسه به این تصمیم قابل توجه بود. امانوئل مکرون رئیس جمهور فرانسه با قاطعیت نظر خود را در این زمینه ابراز داشت و گفت: متحدان انتظار دارند که شانه به شانه هم مبارزه کنند و متحدان همیشه باید قابل اعتماد باشند. در حالیکه درک این احساس فرانسه قابل تصور است، اما اینکه خود فرانسه چگونه متحدی بوده است، موضوعی قابل بحث است.

فرانسه آشکارا اعلام کرد که ایالات متحده، هم‌پیمانان خود را رها کرده و غیرقابل اعتماد است. از نظر ترکیه، میزان قابل اعتماد بودن ترکیه نیز مورد تردید است. فرانسه از سال ۱۹۵۲ تاکنون هم‌پیمان ترکیه در ناتو بوده است. موضوعاتی وجود دارد که اعتماد ترکیه به این متحد خود را تحت الشعاع قرار می‌دهد. برای نمونه، در سال‌های اخیر، فرانسه با آغوش باز از تروریست‌های ارمنی استقبال کرده و در حال حاضر یکی از کشورهای اصلی حامی گروه‌های رادیکال و متعصب ارمنی است. همچنین این کشور مانع گشایش ۵ فصل از مذاکرات الحاق ترکیه به اتحادیه اروپایی است. همچنین همه می‌دانند که فرانسه با گروه کردی PYD در سوریه همکاری دارد. ترکیه چگونه باید با یک کشوری مانند فرانسه که به دنبال سیاست‌های ناسازگار با منافع حیاتی ترکیه است، عمل کند؟

متأسفانه انتقاد ما فقط شامل رئیس جمهور ماکرون نمی‌باشد. روسای جمهور قبل از ماکرون نیز نگرش متفاوتی نداشتند. به نظر می‌رسد فرانسه به طور سنتی در درک ذهنیت اتحاد و همبستگی ضعیف است. اگر ماکرون می‌خواهد از ترامپ انتقاد کند، اول باید خود و سیاست خارجی کشورش را به دید انتقادی نگاه کند. در این چارچوب، درک وی از الزامات اتحاد و چگونگی برخورد با متحدان مورد بازنگری قرار خواهد گرفت. از نظر ترکیه، این مشکل منحصر به فرانسه هم نیست. سوالات مشابهی در قبال عملکرد آلمان و صدراعظم این کشور وجود دارد. در هر صورت، باید مشخص شود که استاندارد دوگانه در اتحادها جایگاهی ندارد.

✍ آنکاسام: بحران هوای در جنگ تجاری آمریکا-چین جمع‌آوری: خانم برجو کسکین

مرکز تحقیقاتی آنکاسام دیدگاه کارشناسان و اساتید مطرح در این مرکز در خصوص جنبه‌های متفاوت بحران تجاری میان آمریکا و چین و همچنین تحولات احتمالی در آینده را به شرح ذیل ارائه می‌نماید. پرفسور دکتر طیار آری (دانشکده روابط بین الملل دانشگاه اولوداغ) با یادآوری تصمیمات اتخاذ شده از سوی رهبران در اجلاس جی ۲۰ در آرژانتین به تعلیق افزایش مالیات گمرکی از ۱۰ به ۲۵ درصد اشاره و گفت: این تصمیم تاثیر مثبتی روی بازارها داشته و می‌توانست مانع از بروز تنش میان چین و آمریکا در

کوتاه مدت باشد، لیکن تحولات اخیر تنش را بالا برده و با آزادی مدیر امور مالی شرکت هواوی بازارهای بین‌المللی نفس راحتی کشید ولی تا آغاز روند محاکمه وی در آمریکا، این وضعیت همچنان در ابهام باقی خواهد ماند. وی ضمن اشاره به کسری تراز تجاری ۳۷۵ میلیارد دلاری آمریکا در تجارت با چین، گفت: در واقع کاخ سفید درصدد است سیستم قیمت آزادی که خود تاسیس کرده را تخریب کند، زیرا هدف اصلی این سیستم تحکیم منافع آمریکا بود در حالیکه امروز چین از سیستم تجارت آزاد سود بیشتری می‌برد.

پرفسور دکتر راگیپ کوتای کاراجا (دانشکده علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آیدین استانبول) بر این باور است که جنگ‌های اقتصادی به جنگ فن‌آوری تبدیل شده و هواوی با پیشرفت مهمی در فن‌آوری به رقیبی برای شرکت‌های آمریکایی تبدیل شده است. این شرکت در حال تبدیل شدن به برندی جهانی است و واشنگتن از حمایت چین از این ابر قدرت فن‌آوری ناراحت است. وی ضمن اشاره به اینکه بحران تجاری نه تنها روی دولت‌ها بلکه روی شرکت‌ها نیز تاثیر منفی جدی می‌گذارد، خاطرنشان کرد: چین، بعد از این حادثه محدودیت‌هایی را برای محصولات اپل اعمال نمود. در این چارچوب می‌توان گفت جنگ‌های تجاری در حال تبدیل شدن به جنگ‌های فن‌آوری است. دکتر کوتای با اشاره به وابستگی تجاری آمریکا و چین (آمریکا بیشتر از چین) افزود: اگر در چین آتشی برپا شود، روی آمریکا و اگر در آمریکا آتشی برپا شود، روی چین به طور مستقیم تاثیر خواهد گذاشت، لذا چین و آمریکا بالاخره راه حلی پیدا خواهند کرد.

دکتر دین محمد آمتبک (رئیس میز اوراسیا در مرکز آنکاسام) بر این عقیده است که حادثه هواوی تنها به نقض تحریم‌های ایران ارتباط نداشته بلکه با جنگ قدرت میان پکن و واشنگتن نیز در ارتباط است و در آینده جنگ هژمونی از طریق کنترل اطلاعات صورت خواهد گرفت و هر کسی که کنترل آن را در دست داشته باشد به ارباب جهانی تبدیل خواهد شد. دستگاه‌های مخابراتی برای جمع‌آوری اطلاعات اشخاص در فعالیت‌های اطلاعاتی بسیار موثر است. اطلاعاتی که از این دستگاه‌ها و نرم‌افزارهایی که در آنها به کار می‌رود و از سوی آمریکا و یا متفقین آن تولید می‌شود، از سوی آمریکا قابل استفاده است و چین در این زمینه تنها کشوری است که رقیب آمریکا محسوب می‌شود و دستگاه‌های تولیدی شرکت هواوی اولین مرحله از این رقابت می‌باشد. طی قانونی که در سال ۲۰۱۷ در چین وضع شد، شرکت‌های مخابراتی ملزم به ارائه اطلاعات به دولت شده‌اند و این قانون برای شرکت‌های چینی که در عرصه بین‌الملل فعالیت دارند نیز تعهدآور است و به همین لحاظ است که کشورهای غربی به شرکت هواوی اعتماد نمی‌کنند.

آیدین نورحان (سفیر بازنشسته و معاون رئیس تاسام) بر این باور است که باید بحران تجاری آمریکا-چین با واژه جهانی شدن بررسی گردد زیرا در گذشته این کشورهای قدرتمند بودند که سود می‌کردند ولی با

از دست دادن دانش به اصطلاح know-how در فن‌آوری، برای مدتی تجارت جهانی میان غرب و شرق در حالت تعادل قرار گرفت و بعداً شرق به دلیل نیروی انسانی ارزان برتری را از آن خود کرد. در این شرایط بود که قدرت‌های استعمارگر همه کشورها را مجبور به امضای قرارداد تجارت آزاد کردند. مواد اولیه را خریداری می‌کردند و دوباره به صورت محصول نهایی فروختند و سود کردند. آزادی در تجارت جهانی به نفع کشورهای است که از لحاظ اقتصادی قدرتمند هستند. وی در ادامه افزود در روابط واشنگتن-پکن وضعیت به تساوی رسیده و علی‌رغم اینکه آمریکا هنوز از نظر اقتصادی بسیار بزرگ است، جهان دیگر فقط نظاره‌گر کاخ سفید نیست. دیگر کسی به اظهارات تند آمریکا توجه نمی‌کند و آمریکا به سرعت مشروعیت خود را از دست می‌دهد. از لحاظ وابستگی متقابل، در طول تاریخ نمی‌توان نمونه‌ای بهتر از روابط آمریکا و چین یافت. لیکن در این دعوا هیچ یک از طرفین زیاده‌روی نخواهد کرد. در دولت چین، کسی نیست که بتواند دست به چنین کاری بزند. ترامپ هم بالاخره یک تاجر است. هرگاه آمریکا از قدرت کافی برخوردار باشد، با بی‌رحمی دشمن را له می‌کند ولی وقتی متوجه شود که تا آخر نمی‌تواند پیش برود، با ذهنیت یک تاجر، سیاست خود را به سرعت تغییر می‌دهد. لذا آمریکا در روابط با چین نیز این ذهنیت را در اولویت قرار داده و اکنون در دوره کاهش تنش قرار دارد.

ارجان گورسس رئیس دفتر شبکه کانال دی در آنکارا با اشاره به اینکه بحران تجاری میان آمریکا و چین در بلندمدت عادی خواهد شد تاکید کرد آنها متوجه شدند وارد روندی شده‌اند که هر دو بازنده خواهند شد، ولی به این معنی نیست که جنگ تجاری میان واشنگتن و پکن خاتمه پیدا کرده است. مصرف‌کنندگان آمریکایی به کالاهای ارزان قیمت چینی نیاز دارند و واشنگتن در یک ارزیابی اشتباه، سیاست کاهش مالیات را اجرا کرد و واکنش چین به این وضعیت هم منجر به گران شدن کالاهای چینی وارداتی به آمریکا شد. روابط آمریکا و چین مدتی به همین شکل ادامه خواهد کرد ولی هیچگاه این روابط قطع نخواهد شد.